

### تنهائی

این ظلمت شب سرانجام سحر دارد  
 گوشه تنهائی رنج و غم در بر دارد  
 افسرده شده دل به تنگنای قفس  
 میل رهائی زین قفس دگر دارد

\*\*\*

### غبار اندوه

چشمم به انتظار سحر از دید ما ند  
 مایوسی زبس رخداد امید نا امید ما ند  
 غبار اندوه پوشاننده آسمان دلم  
 شب هایم بی ماه و روزم بی خورشید ماند

\*\*\*

### روزِ تلخ

روزی ز تلخی زندگی لب به سخن باز کنم  
 قصه ای درد دوری تو ای وطن آغاز کنم  
 ز کجای قصه ای سرگردانیم گویم دوستان  
 شبِ دراز، کوتاه ست چرا قصه را دراز کنم

\*\*\*

" فانوس بی رمق " [\*] (۲۰۱۱)

پرواز با همی مرغان در فضاء ، مصونتر است  
 مرغ جدا شده زخیل مبتلای خطر است  
 افتد به پنجهٔ تیز عقاب یا به دام صیاد  
 ز آرامیدن در تنگنای قفس ، مرگ بهتر است  
 گویند در غربت ، افقی نیست رهگشای ما  
 گویا شفق صبح ز سرخی غروب تیره تر است  
 آفتاب دیده بست " فانوس بی رمق " چشم گشود  
 از کینه تیزی اش آینه ای دل ها مکدر است  
 مشو آینهٔ دیگران ، در آینه خود را نگر  
 زبان آینه عیب هرکی را بیانگر است  
 کاوش عیب دیگران نباشد درمان درد  
 فرو رو دمی به خویش ، خود خواهی را درمانگر است  
 ای ساحل نشین لمیده در بستر آرام  
 نظر فکن به زادگاه ات فقر و کشتار بیشتر است  
 عداوت آرد شقاوت ، زکج اندیشی بگذر  
 نیش زبان قلم ، ز هر نیشی درد ناک تر است  
 ترفند پیشه گان گویند ، " عفت قلم نگهدار !"  
 " افشاء نشود راز ما ، نا نوشته بهتر است "  
 هر کی تبلیغ کند خط " تسلیمی " با دشمنان  
 نزد توده ها ، رسوا و منحط و فتنه گر است  
 \* \* \* \* \*

---

[\*] – " فانوس بی رمق " : اشاره ایست به " عقل کل " که خود خواهی هایش ضربات بس کشنده ای بر پیکر زخمی جنبش چپ انقلابی کشور وارد نموده است .